

## همه گیر شناسی ناتوانی های یادگیری کلامی و غیرکلامی در میان دانش آموزان دوره ابتدایی شهرستان مشهد

سعید تیموری<sup>۱\*</sup>، نادر باقری<sup>۲</sup>، علی مشهدی<sup>۳</sup>

(۱) استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت جام، ایران

(۲) استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

(۳) استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

\*نویسنده مسول: [sdteimory28@yahoo.com](mailto:sdteimory28@yahoo.com)

تاریخ دریافت مقاله ۹۱/۹/۲۲ تاریخ آغاز بررسی مقاله ۹۱/۲/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله ۹۱/۲/۲۵

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی همه گیر شناسی ناتوانی های یادگیری دانش آموزان دوره ابتدایی شهرستان مشهد صورت گرفته است. روش پژوهش حاضر علی - مقایسه ای می باشد و جامعه آماری شامل کلیه ی دانش آموزان دختر و پسر دوره ابتدایی نواحی هفت گانه شهرستان مشهد بوده است. بدین منظور تعداد ۷۸۰ آزمودنی (۳۹۰ دختر و ۳۹۰ پسر) از میان دانش آموزان دوره ابتدایی با روش نمونه گیری سهمیه ای و خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. ابزار اندازه گیری در این پژوهش مقیاس غربالگری دانش آموزان ناتوان یادگیری (مقیاس تجدیدنظر شده رتبه بندی دانش آموز) مایکل باست (۱۹۷۱) بود. (آزمون مذکور در دو بعد کلامی (ادراک شنیداری و زبان گفتاری) و سه بعد غیرکلامی (جهت یابی، هماهنگی حرکتی، رفتارشناسی\_اجتماعی) بر مبنای چارچوب ارجاعی اختلال روان عصب شناسی جهت تشخیص ناتوانی های یادگیری تهیه شده است. نتایج حاصل از آزمون با استفاده از آزمون خی دو تجزیه و تحلیل گردید. یافته ها نشان داد که: فراوانی ناتوانی های یادگیری کلی در کودکان مقطع ابتدایی را می توان حدود ۱۸ درصد برآورد نمود و فراوانی پسران با ناتوانی های یادگیری بیش از دختران می باشد؛ و در تمامی پایه های کلاسی فراوانی پسران با ناتوانی های یادگیری بیش از دختران است. فراوانی پسران و دختران با ناتوانی های یادگیری غیرکلامی بیش از ناتوانی های یادگیری کلامی است و فراوانی پسران در ناتوانی های یادگیری غیرکلامی بیش از دختران است.

کلید واژگان: همه گیر شناسی، ناتوانی های یادگیری کلامی و غیرکلامی، مقیاس تجدیدنظر شده رتبه بندی دانش آموز

### مقدمه

کودکان زیادی وجود دارند که در آغاز تحصیل در یک یا چند زمینه تحصیلی مانند خواندن، نوشتن و ریاضیات دچار شکست تحصیلی می شوند و متعاقباً در زمینه علت شناسی مشکلات این کودکان بر چسب های بسیاری از سوی معلمان، والدین و مشاوران به این کودکان نسبت داده می شود در بسیاری از موارد شکست تحصیلی را ناشی از عقب ماندگی ذهنی کودک و یا مشکلات شناسی او می دانند. عقب ماندگی محیطی، فرهنگی و اقتصادی نیز از عواملی هستند که در نحوه یادگیری کودکان تاثیر

نارسایی ویژه در یادگیری گروه ناهمگونی از کودکان را در بر می گیرد که مشکلاتی را در حوزه های گوناگون دارند. این مشکلات اثرات مادام العمری را برای فرد ایجاد می کند که به نظر می رسد خیلی بیشتر از خواندن، نوشتن و حساب کردن باشد و حوزه هایی همچون سلامت بهداشت روانی، روابط بین شخصی، ادامه تحصیل، امکانات استخدامی و مانند آن را عمیقاً تحت تاثیر قرار می دهد (راگهاون و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴ به نقل از امیدوار، ۱۳۸۴).

همه گیرشناسی اختلال های یادگیری را بین ۱ تا ۳۰ درصد در پژوهش های مختلف گزارش کرده است (لرنر، ۱۹۹۷). در پژوهشی که با عنوان همه گیرشناسی اختلالات یادگیری در میان دانش آموزان مدارس آمریکا توسط آلتاراک و ساروها<sup>۴</sup> (۲۰۰۶) صورت گرفت، نتایج نشان داد که نزدیک به ۹/۷ درصد کودکان دوره دبستانی دارای ناتوانی یا اختلال یادگیری بودند. میزان پسران با اختلال یادگیری بیش از دختران بود و مشکلات رفتاری در کودکان با اختلال یادگیری بیش از کودکان بهنجار می باشد. پژوهشی با عنوان بررسی شیوع و علل اختلالات یادگیری در دانش آموزان دوره ابتدایی استان اردبیل توسط نریمانی و رجبی (۱۳۸۴) صورت گرفت و نتایج نشان داد که میزان همه گیرشناسی ناتوانی یادگیری در حدود ۱۳ درصد در میان دختران و پسران به دست آمد و از عوامل مرتبط با این ناتوانی ها می توان به ضعف در یادآوری، استفاده کمتر از تکرار و تمرین و ضعف حافظه بینایی و شنوایی اشاره کرد. میزان همه گیرشناسی اختلال های یادگیری در دختران و پسران متفاوت است. در مطالعه ای با عنوان همه گیرشناسی ناتوانی های یادگیری در شهرستان مشهد که توسط مرویان (۱۳۷۶) صورت گرفت، نتایج نشان داد که میزان اختلال یادگیری کلی در میان دانش آموزان دوره ابتدایی ۸ درصد می باشد. نسبت ابتلای پسران با ناتوانی های یادگیری به دختران نیز سه به یک عنوان شده است. برخی پژوهشگران عنوان کردند که افزایش شیوع ناتوانی های یادگیری در میان مردان به علت وجود آسیب پذیری زیستی در میان آن ها است. میزان مرگ و میر های نوزادان پسر نسبت به دختران بیشتر است، پسران در معرض خطر بالاتری از ناهنجاری های زیستی قرار دارند. آن ها پیشنهاد کردند که مشکلات آموزشی که در پسران شایع تر از دختران نیست بلکه پسران به دلیل این که مشکلات آموزشی آن ها با اختلال های رفتاری مانند فزون کنشی و نقص توجه همراه است، با احتمال بیشتری به کلینیک مراجعه می کنند (شایویتز و

چشمگیری دارند و متاثر از شرایطی از قبیل نحوه تغذیه مادر در دوران قبل از تولد، فشارهای محیطی و مواظبت پیش از تولد، شرایط هنگام تولد، مراقبت تربیتی و ایجاد محرک کافی برای رشد مناسب در بعد از تولد بوده و از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند، در امر یادگیری به نوبه خود اختلالاتی ایجاد می کنند و ممکن است به عنوان علل ناتوانی یادگیری پذیرفته شود. هم چنین نقایص حسی مانند نقایص بینایی، شنوایی، حرکتی یا اختلالات عاطفی می تواند به عنوان پیش فرضی برای مشکلات تحصیلی در نظر گرفته شود. زمانی که در بررسی سبب شناسی مشکلات تحصیلی این کودکان فرضیه های بالا (عقب ماندگی ذهنی، اختلالات عاطفی، نقایص حسی، عقب ماندگی های محیطی، فرهنگی و اقتصادی) جایگاهی نداشته باشد از اصطلاح ناتوانی های یادگیری استفاده می شود. در مورد همه گیرشناسی دانش آموزان با ناتوانی های یادگیری تحقیقات بسیار کمی انجام شده است. اداره تعلیم و تربیت امریکا (۱۹۹۵) درصد فراوانی نارسایی ویژه در یادگیری را در سنین ۶ تا ۱۷ سالگی بین ۲ تا ۶ درصد جمعیت دانش آموزان گزارش کرده است. فراوانی نارسایی های ویژه در یادگیری در سال ۱۹۹۷ در بین کودکان امریکایی ۳ تا ۱۷ ساله، ۸ درصد؛ در ۱۹۹۸ به میزان ۸ درصد و در سال ۲۰۰۰ نیز به میزان ۸ درصد گزارش شده است (بلکول و همکاران، ۲۰۰۳؛ بلوم و تونتات، ۲۰۰۲). براساس داده های اداره جمعیت و بررسی های آماری انگلستان (۱۹۸۹) نیز تقریباً ۳۶۰ هزار کودک زیر ۱۶ سال با نارسایی های ویژه در یادگیری وجود دارند که حدود ۳ درصد جمعیت کودکان را تشکیل می دهند (امیدوار، ۱۳۸۴). آمار جدیدتر تعداد این کودکان را در حدود ۱ میلیون نفر تخمین می زند (جندل و وودهامز، ۲۰۰۵). در کشورهای دیگر مانند چین نیز فراوانی نارسایی در یادگیری ۱۰/۳ درصد تخمین زده می شود (یائو و وو، ۲۰۰۳). کمیته ملی مشورتی کودکان ناتوان میزان

4 Yao & Wu  
5 Lerner  
6 Altarac, M & Saroha, E

1 Blackwell @ Tonthat  
2 Bloom  
3 Gendel & Woodhoms

در مطالعات اولیه که توسط باست و همکاران<sup>۳</sup> (۱۹۷۱) در مورد غربال گری دانش آموزان به وسیله مقیاس رتبه بندی دانش آموز صورت گرفت، مشخص شد که ۱۵ درصد دانش آموزان در جنبه های مختلف تحصیلی شان نزدیک یا در سطح شکست تحصیلی بودند و پس از ارزیابی های بعدی مشخص گردید که تقریباً ۷/۵ درصد این دانش آموزان دچار ناتوانی های یادگیری و ۷/۵ درصد باقیمانده شکست تحصیلی شان به دلایل عقب ماندگی ذهنی، نقایص شنیداری، آسیب بینایی و اختلال هیجانی بود (مایکل باست، ۱۹۷۱). این نتایج ضرورت غربال گری را برای کودکانی که ممکن است با احتمال بالایی عملکرد ضعیف تحصیلی داشته باشند، برجسته می سازد. بنابراین هر کودکی که با این آزمون تشخیص داده می شود بایستی در مراحل بعد از نظر داشتن اختلال یادگیری ویژه ای که می تواند تعیین کننده باشد، مورد ارزیابی قرار گیرد. مقیاس تجدید نظر شده درجه بندی دانش آموز<sup>۴</sup> برای غربال گری ناتوانی یادگیری به عنوان ابزاری فراهم شده است که در سطح بالایی از دقت، کودکانی را که در ریسک بالای شکست تحصیلی اند مشخص می سازد. مقیاس درجه بندی دانش آموز یک ابزار تشخیصی نیست که دقیقاً مشخص نماید کودک دچار چه نوع اختلال یادگیری است، بلکه یک ابزار غربال گری است که احتمال موفقیت یا شکست تحصیلی دانش آموزان را مشخص می کند. و سپس با پیگیری و بررسی دقیق و عمیق این دانش آموزان می توان علت شکست تحصیلی و نوع اختلال یادگیری فرد را مشخص نمود. لذا سؤال اصلی پژوهش این است که شیوع (همه گیر شناسی) ناتوانی های یادگیری در میان دانش آموزان دوره ابتدایی شهرستان مشهد چه مقدار است؟

#### سوال تحقیق

سوال اول. همه گیر شناسی ناتوانی یادگیری در دختران و پسران مقطع ابتدایی شهرستان مشهد چه مقدار می باشد؟

همکاران، (۱۹۹۵). در حال حاضر مسأله آسیب پذیری زیستی در مردان نقش اساسی را در تفاوت های جنسی بازی می کند، به عنوان مثال آمارهای دولت فدرال نشان می دهد که همه ناتوانی ها در مردان بیشتر است. به عنوان مثال آسیب های شنوایی (۵۳ درصد مردان)، آسیب های اسکلتی (۵۴ درصد مردان) و آسیب های دیداری (۵۶ درصد مردان)؛ هالاهان و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۵). حقیقت این است که برآورد دقیق شیوع ناتوانی های یادگیری به خاطر نبود یک تعریف استاندارد و فقدان ملاک تشخیصی عینی کار بسیار مشکلی است با این حال اکثر محققان در بررسی های خود شیوع ناتوانی های یادگیری را ۸ تا ۱۵ درصد دانش آموزان سنین مدرسه گزارش کرده اند (پیرآنجلو و جیولیانی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). معمولاً در روش های آموزش ویژه در جایی که متخصصان پزشکی کار خود را تمام می کنند، کار متخصصان تعلیم نارسایی های ویژه و تربیت شروع می شود. اساساً این حوزه با آموزش سروکار دارد و چون مشکل کودکان در یادگیری در فرآیندهای مربوط به یادگیری است، معلمان به عنوان مهم ترین کارشناسان در زمینه ارزیابی قلمداد می شوند. معلمان کلاس های عادی مخصوصاً با تأکیدی که در سال های اخیر برای پذیرفتن کودکان با نارسایی های ویژه در یادگیری در کلاس های عادی- محیط با کمترین محدودیت و یکپارچگی- می شود، می توانند با گذراندن دوره های کارآموزی ویژه در زمینه شناسایی، ارزیابی و هم چنین پیگیری برنامه های آموزشی نقش مهمی داشته باشند. این معلمان باتجربه ای که در زمینه نارسایی های ویژه در یادگیری دارند می توانند در جداسازی این کودکان و ایجاد برنامه های آموزشی ویژه و هم چنین پیشنهادها و توصیه های لازم به معلم های کلاس عادی، والدین و دیگران نقش داشته باشند. افزون بر این می توانند به عنوان هماهنگ کننده کوشش های انفرادی متخصصان دیگر نیز عمل نمایند.

4 The pupil rating scale revised

1 Hallahan, Lloyd, Kauffman, Weiss, & Martinez  
2 Pierangelo, R ; Giuliani, G  
3 Mykelbust et al

شهرستان مشهد تشکیل داد. روش نمونه گیری در این پژوهش، نمونه گیری سهمیه ای و خوشه ای چند مرحله ای بود بدین صورت که ابتدا بر اساس محروم بودن؛ متوسط بودن و مناسب بودن نواحی هفت گانه تقسیم بندی شد؛ پس از آن به طور تصادفی از هر منطقه سه مدرسه دخترانه و سه مدرسه پسرانه انتخاب گردید و سپس نمونه آماری از مدارس مشخص شده (از کلاس اول تا پنجم) براساس حجم مورد نیاز نمونه آماری تعیین شد. در این پژوهش برای به دست آوردن حجم نمونه مورد نیاز از فرمول<sup>۱</sup> استفاده شد. سپس براساس آمار دانش آموزان دختر و پسر در هر یک از مناطق هفت گانه و به نسبت درصد دانش آموزان دختر و پسر در هر یک از مناطق نسبت به کل آمار دانش آموزان دختر و پسر، و بر طبق کل حجم نمونه دختر و پسر (۳۹۰)، تعداد نمونه در هر یک از مناطق بدین ترتیب محاسبه گردید.

سوال دوم. همه گیرشناسی ناتوانی یادگیری کلامی در دختران و پسران مقطع ابتدایی شهرستان مشهد چه مقدار می باشد؟

سوال سوم. همه گیرشناسی ناتوانی یادگیری غیر کلامی در دختران و پسران مقطع ابتدایی شهرستان مشهد چه مقدار می باشد؟

سوال چهارم. آیا میان همه گیرشناسی ناتوانی یادگیری کلی در دختران و پسران مقطع ابتدایی شهرستان مشهد تفاوت وجود دارد؟

سوال پنجم. آیا میان همه گیرشناسی ناتوانی یادگیری در دختران و پسران مقطع ابتدایی در هر یک از پایه های کلاسی اول تا پنجم شهرستان مشهد تفاوت وجود دارد؟

### روش تحقیق

پژوهش حاضر در مقوله مطالعات علی - مقایسه ای قرار می گیرد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه ی دانش آموزان دختر و پسر دوره ابتدایی نواحی هفت گانه

جدول ۱: توزیع فراوانی حجم نمونه بر حسب پایه کلاسی و منطقه

پایه های کلاس					پسر n	پایه های کلاسی					دختر n	مناطق
۵	۴	۳	۲	۱		۵	۴	۳	۲	۱		
۱۷	۱۷	۱۶	۱۷	۱۹	۸۶	۱۹	۱۷	۱۴	۱۷	۱۹	۸۶	۱
۱۱	۹	۱۰	۱۲	۱۲	۵۴	۱۱	۱۰	۱۱	۱۱	۱۲	۵۵	۲
۶	۵	۶	۷	۷	۳۱	۳	۵	۵	۵	۵	۲۳	۳
۱۲	۱۲	۱۲	۱۳	۱۳	۶۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۴	۱۲	۶۲	۴
۱۱	۱۲	۱۲	۱۳	۱۴	۶۲	۱۳	۱۱	۱۱	۱۳	۱۴	۶۲	۵
۱۰	۷	۷	۹	۱۰	۴۳	۹	۶	۹	۹	۱۰	۴۳	۶
۱۲	۱۱	۹	۱۰	۱۰	۵۹	۱۴	۱۲	۱۲	۹	۱۲	۵۹	۷
					۳۹۰						۳۹۰	تعداد کل

$$1 N.T.S2$$

$$N = \frac{N.D2 + T2.S2}{2}$$

پس از آن در رابطه با آزمون غربالگری ناتوانی های یادگیری توضیحات لازم به معلمان دانش آموزان انتخاب شده داده می شود و بعد از آشنایی معلمان مذکور با شیوه اجرا و درجه بندی دانش آموزانشان (دانش آموزان تعیین شده) براساس آزمون غربالگری، از آن ها خواسته می شود که با صرف ۳۰ دقیقه وقت برای درجه بندی هر آزمودنی، دانش آموزان خود را در زمینه های تعیین شده مورد نمره گذاری قرار دهند پس از اجرای آزمون غربالگری براساس حجم نمونه تعیین شده دانش آموزان دختر و پسر براساس پایه های کلاسی در هر یک از مناطق هفت گانه، نمرات آزمون ها مورد محاسبه قرار گرفته و براساس روش های آماری مشخص شده، داده ها مورد تحلیل قرار گرفت.

#### ابزار اندازه گیری

ابزار اندازه گیری در این پژوهش مقیاس غربالگری دانش آموزان ناتوان یادگیری (مقیاس تجدیدنظر شده رتبه بندی دانش آموز) باست (۱۹۷۱) بود. آزمون مذکور در دو بعد کلامی (ادراک شنیداری و زبان گفتاری) و سه بعد غیر کلامی جهت یابی، هماهنگی حرکتی، رفتارشناسی -

اجتماعی) بر مبنای چارچوب ارجاعی اختلال روان عصب شناسی فراهم گردیده است (مایکل باست، ۱۹۷۱). هدف مقیاس مذکور مشخص کردن کودکانی است که علیرغم برخورداری از توانایی هوشی، شنیداری و دیداری خوب و سازگاری هیجانی مناسب و بدون داشتن معلولیت جسمی خاصی، یادگیری و پیشرفت تحصیلی شان در سطح عادی نیست. این آزمون ناتوانی یادگیری کلامی با نمره برشی زیر ۲۷ و ناتوانی یادگیری غیر کلامی با نمره برشی زیر ۴۵ و ناتوانی یادگیری کلی کمتر از ۷۲ را مورد افتراق قرار می دهد. ناتوانی یادگیری در حد شدید کلامی (نمره زیر ۱۸) متوسط (بین ۲۴-۱۸) و مرزی (بین ۳۰-۲۵) می باشد. همچنین ناتوانی یادگیری در سطح شدید غیر کلامی (نمره زیر ۳۰) متوسط (بین ۴۳-۳۱) و مرزی یا خفیف (۵۰-۴۴) طبقه بندی می شود (باست، ۱۹۷۱). همبستگی درونی آزمون، همبستگی با پیشرفت تحصیلی و همبستگی با هوش کلامی و غیر کلامی و هوش ادراکی و فضایی در بعد کلامی (ادراک شنیداری و زبان گفتاری و غیر کلامی) جهت یابی، هماهنگی حرکتی، رفتارشناسی - اجتماعی و همبستگی کلی آزمون غربالگری توسط باست (۱۹۷۱) بدین صورت گزارش شده است.

جدول ۲: همبستگی درونی ویژگی های رفتاری (N=۱۲۰)

نمره کل مقیاس	بخش کلی غیر کلامی	بخش کلی کلامی	هماهنگی حرکتی	رفتار اجتماعی	جهت یابی	زبان گفتاری	ادراک شنیداری
٪۹۴	٪۸۷	٪۹۷	٪۵۴	٪۸۲	٪۸۶	٪۹۰	ادراک شنیداری
٪۹۲	٪۸۳	٪۹۸	٪۵۳	٪۷۹	٪۸۲		زبان گفتاری
٪۹۳	٪۹۲	٪۸۶	٪۵۵	٪۸۳			جهت یابی
٪۹۴	٪۹۷	٪۸۳	٪۵۵				رفتار اجتماعی
٪۶۴	٪۶۸	٪۵۵					هماهنگی حرکتی
٪۹۶	٪۸۷						بخش کلی کلامی
٪۹۸							بخش کلی غیر کلامی

جدول ۳: همبستگی مقیاس غربالگری با پیشرفت تحصیلی (N=۱۲۰)

ریاضیات	هجی کردن	خواندن	افتراق لغات	شناخت لغات	ادراک شنیداری
٪۴۵	٪۵۳	٪۵۰	٪۱۷	٪۱۵	ادراک شنیداری
٪۴۲	٪۴۸	٪۵۱	٪۱۸	٪۱۹	زبان گفتاری
٪۳۰	٪۴۱	٪۳۸	٪۱۴	٪۱۱	جهت یابی
٪۱۷	٪۲۴	٪۱۶	٪۹	٪۶	هماهنگی حرکتی
٪۳۲	٪۳۹	٪۳۳	٪۱۰	٪۱۱	رفتار اجتماعی
٪۴۵	٪۵۲	٪۵۲	٪۱۸	٪۱۷	بخش کلی کلامی
٪۳۲	٪۴۱	٪۳۵	٪۱۲	٪۱۱	بخش کلی غیرکلامی
٪۳۹	٪۴۷	٪۴۳	٪۱۶	٪۱۴	نمره کلی مقیاس

جدول ۴: همبستگی مقیاس با هوش (N=۱۲۰)

هوش غیرکلامی	هوش فضایی	هوش ادراکی	هوش کلامی	ادراک شنیداری
٪۲۱	٪۲۸	٪۳۳	٪۳۵	ادراک شنیداری
٪۱۹	٪۲۶	٪۲۷	٪۳۰	زبان گفتاری
٪۱۸	٪۲۱	٪۳۳	٪۳۰	جهت یابی
٪۱۰	٪۱۶	٪۶	٪۱۰	هماهنگی حرکتی
٪۱۵	٪۱۸	٪۲۴	٪۲۱	رفتار اجتماعی
٪۲۰	٪۲۸	٪۳۱	٪۳۳	بخش کلی کلامی
٪۱۷	٪۲۱	٪۲۶	٪۲۳	بخش کلی غیرکلامی
٪۱۹	٪۲۵	٪۲۹	٪۲۸	نمره کلی مقیاس

کودکان دارای اختلال یادگیری کلی (کلامی و غیرکلامی) می باشند.

**سوال دوم:** همه گیرشناسی ناتوانی یادگیری کلامی در دختران و پسران دوره ابتدایی شهرستان مشهد چه مقدار می باشد؟ همانگونه که در جدول ۶ مشاهده می شود، هیچکدام از دختران و پسران دارای اختلال یادگیری کلامی با درجه شدید نمی باشند و تنها ۱/۸ درصد دختران و پسران (۱۴ نفر) دارای اختلال یادگیری کلامی با درجه متوسط و ۱/۸ درصد دختران و پسران (۱۴ نفر) دارای اختلال یادگیری کلامی با درجه خفیف می باشند. به عبارت دیگر ۳/۶ درصد تعداد کل دختران و پسران دارای اختلال یادگیری کلامی می باشند و ۹۶/۴ درصد آن ها بهنجار می باشند.

**سوال سوم:** همه گیرشناسی ناتوانی یادگیری غیر کلامی در دختران و پسران دوره ابتدایی شهرستان مشهد چه مقدار می باشد؟ همانگونه که در جدول ۷ مشاهده می شود، ۵/۹ درصد (۴۶ نفر) دختران و پسران دارای اختلال یادگیری

برای محاسبه پایایی مقیاس از روش اجرای بازآزمایی استفاده شد. این پرسشنامه بر روی ۵۰ نفر از کودکان عادی دوره ابتدایی در دو نوبت اجرا گردید و بین اجرای اول و دوم ۸۲ صدم همبستگی وجود داشت. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده ها از دو روش آمار توصیفی (فراوانی و فراوانی درصدی) و استنباطی (آزمون خی دو) استفاده گردید.

#### یافته ها

**سوال اول:** همه گیرشناسی ناتوانی یادگیری در دختران و پسران مقطع ابتدایی شهرستان مشهد چه مقدار می باشد؟ همانطور که در جدول ۵ مشاهده می شود، ۰/۰۸ درصد دختران و پسران دارای اختلال یادگیری شدید، ۲/۷ درصد اختلال یادگیری متوسط، ۷/۱ درصد اختلال یادگیری خفیف و ۷/۵ درصد دارای اختلال یادگیری با درجه مرزی می باشند، به طور کلی حدود ۱۸ درصد

دوره ابتدایی شهرستان مشهد تفاوت وجود دارد (تعداد پسران با اختلال یادگیری کلی بیشتر از دختران می باشد).

#### سوال پنجم: آیا میان همه گیرشناسی ناتوانی یادگیری

در دختران و پسران دوره ابتدایی در هر یک از پایه های کلاسی اول تا پنجم شهرستان مشهد تفاوت وجود دارد؟

همانگونه که در جدول ۱۰ مشاهده می شود، در پایه اول ابتدایی ۱۷ درصد دختران و ۲۰ درصد پسران، در پایه دوم ابتدایی ۸ درصد دختران و ۲۵ درصد پسران، در پایه سوم ابتدایی ۸ درصد دختران و ۳۶ درصد پسران، در پایه چهارم ابتدایی ۱۳ درصد دختران و ۲۰ درصد پسران و در پایه پنجم ابتدایی ۱۰ درصد دختران و ۲۷ درصد پسران دارای اختلال یادگیری کلی می باشند. به طور کلی در تمام پایه های کلاسی فراوانی اختلال های یادگیری کلی در پسران بیش از دختران است.

لذا برای پاسخ به این سؤال که آیا بین همه گیر شناسی ناتوانی یادگیری در دختران و پسران در پایه های اول تا پنجم دوره ابتدایی تفاوت وجود دارد؟ از آزمون خی دو استفاده شد.

نتایج جدول ۱۱ نشان می دهد که تفاوت مشاهده شده میان فراوانی اختلال یادگیری در دختران و پسران پایه های دوم ( $\chi^2 = 1/13, df = 1, p < 0/023$ )، سوم ( $\chi^2 = 0/000$ )، چهارم ( $\chi^2 = 1/83, df = 1, p < 0/002$ ) و پنجم ابتدایی ( $\chi^2 = 1/46, df = 1, p < 0/002$ ) معنادار می باشد به عبارت دیگر فراوانی اختلال های یادگیری در پسران پایه های دوم، سوم و پنجم بیشتر از دختران است، اما تفاوت مشاهده شده میان فراوانی اختلال یادگیری در دختران و پسران پایه های اول ( $\chi^2 = 0/953, df = 1, p > 0/464$ ) و چهارم ( $\chi^2 = 0/335, df = 1, p > 0/464$ ) معنادار نمی باشد.

#### بحث و نتیجه گیری

نکته مهمی که در زمینه ناتوانی های یادگیری وجود دارد این است که اگر به موقع تشخیص داده شود می تواند موفقیت چشمگیری در زندگی این افراد ایجاد نماید و این مخصوصاً در حال حاضر که فن آوری های جدید می تواند

غیرکلامی با درجه شدید، ۱۳/۱ درصد دختران و پسران (۱۰۳ نفر) دارای اختلال یادگیری غیرکلامی با درجه متوسط، ۲۳/۸ درصد دختران و پسران (۱۸۷ نفر) دارای اختلال یادگیری غیرکلامی با درجه خفیف و ۱۵/۸ درصد (۱۲۴ نفر) دارای اختلال یادگیری غیرکلامی با درجه مرزی می باشند. به طور کلی ۵۸/۷ درصد تعداد کل دختران و پسران دارای اختلال یادگیری غیرکلامی (شدید، متوسط، خفیف و مرزی) می باشند و ۴۱/۳ درصد آن ها بهنجار می باشند.

#### سوال چهارم: آیا میان همه گیرشناسی ناتوانی

یادگیری کلی در دختران و پسران دوره ابتدایی شهرستان مشهد تفاوت وجود دارد؟

همانگونه که در جدول ۸ مشاهده می شود، حدود ۲۵ درصد پسران دارای اختلال یادگیری با درجات (شدید، متوسط، خفیف و مرزی) می باشند که از این میان بیشترین فراوانی اختلال های یادگیری در پسران مربوط به طبقه اختلال یادگیری با درجه خفیف (۱۰/۲۵ درصد) می باشد و کمترین فراوانی مربوط به طبقه اختلال های یادگیری با درجه شدید (۰/۰۸ درصد) می باشد.

در گروه دختران به طور کلی ۱۱/۵ درصد دارای اختلال یادگیری با درجات متوسط، خفیف (۴/۵ درصد) و مرزی (۵/۵ درصد) می باشند. فراوانی دختران در طبقه اختلال یادگیری با درجه شدید صفر می باشد. به طور کلی فراوانی پسران با اختلال یادگیری کلی (۲۵ درصد) بیشتر از فراوانی دختران (۱۱/۵ درصد) می باشد.

برای آن که بتوانیم به این پرسش پاسخ دهیم که آیا میان همه گیر شناسی ناتوانی یادگیری کلی در دختران و پسران دوره ابتدایی شهرستان مشهد تفاوت وجود دارد؟ از آزمون خی دو استفاده شد.

همانطور که در جدول ۹ مشاهده می شود، تفاوت بین دو گروه در سطح  $0/000$  معنادار می باشد ( $p < 0/000$ )، بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین همه گیر شناسی ناتوانی یادگیری در دختران و پسران

وجود دارد؟ نتایج به دست آمده نشان داد که در تمام پایه های کلاسی اول تا پنجم تعداد پسران با اختلال یادگیری کلی بیش از دختران می باشد و بیشترین تفاوت در پایه سوم ابتدایی است، به این صورت که ۸ درصد دختران و ۳۶ درصد پسران دارای اختلال یادگیری کلی می باشند. آزمون خبی دو جهت مقایسه معنادار بودن تفاوت ها در پایه اول تا پنجم نشان داد که تفاوت های مشاهده شده میان فراوانی اختلال یادگیری در دختران و پسران پایه های دوم، سوم و پنجم معنادار می باشد. یعنی تعداد پسران دارای اختلال یادگیری در پایه های دوم، سوم و پنجم بیش از دختران است ولی در پایه های اول و چهارم تفاوت مشاهده شده معنادار نمی باشد. نتیجه به دست آمده در سوالات چهارم و پنجم با نتایج پژوهش های نریمانی، رجبی (۱۳۸۴)، آلتاراک و ساروها (۲۰۰۶)، شایویتز و همکاران (۱۹۹۰)، شایویتز و همکاران (۱۹۹۵)، هالاها و همکاران (۲۰۰۵) که در تحقیقات خود به این نتیجه دست یافتند که فراوانی پسران با اختلال یادگیری بیش از دختران است، همخوانی دارد.

#### منابع

- امیدوار، احمد. (۱۳۸۴). *نارسایی های ویژه در یادگیری*. مشهد. انتشارات سخن گستر.
- حسینی مرویان، رضا. (۱۳۷۶). *بررسی شیوع ناتوانی های یادگیری در میان دانش آموزان شهر مشهد*. دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی فردوسی مشهد.
- نریمانی، محمد و رجبی، سوران. (۱۳۸۴). *بررسی شیوع و علل اختلالات یادگیری در دانش آموزان دوره ابتدایی استان اردبیل*. مجله پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، سال پنجم شماره ۳، ۲۵۲-۲۳۱.
- Altarac, M & Saroha, E (2006) . *prevalence of learning disability among us children* . *pediatrics-vol, 119supplement february 2007, pp77-83* .
- Hallahan, Lloyd, Kauffman, Weiss, & Martinez (Pearson 2005), *Learning*

در حمایت آموزشی و جبرانی این افراد نقش عمده ای داشته باشد، اهمیت زیادی دارد. از آنجا که مقیاس درجه بندی دانش آموز احتمال وجود ناتوانی های یادگیری کلامی و غیر کلامی را در دانش آموزان ارزیابی می نماید در این پژوهش این مقیاس به منظور همه گیر شناسی ناتوانی های یادگیری به کار برده شد و نتایج زیر به دست آمد. در ارتباط با سؤال اول تا سوم، همه گیر شناسی ناتوانی یادگیری کلی، کلامی و غیر کلامی در دختران و پسران دوره ابتدایی شهرستان مشهد چه مقدار می باشد؟ نتایج نشان داد که ۱۸ درصد دختران و پسران دارای اختلال یادگیری کلی (کلامی و غیرکلامی) ۳/۶ درصد تعداد کل دختران و پسران دارای اختلال یادگیری کلامی و ۵/۷ درصد تعداد کل دختران و پسران دارای اختلال یادگیری غیرکلامی (شدید، متوسط، خفیف و مرزی) می باشند. نتیجه به دست آمده در پژوهش حاضر با یافته های نریمانی و رجبی (۱۳۸۴)، مرویان (۱۳۷۶)، مایکل باست (۱۹۷۱) لرنر (۱۹۹۷) پیر آنجلو و جیولیانی (۲۰۰۶) بلکول و همکاران (۲۰۰۳)؛ بلوم و تونتات (۲۰۰۲) که در پژوهش های خود به این نتیجه دست یافتند که همه گیرشناسی ناتوانی های یادگیری کلی در بین کودکان دبستانی بین ۱ تا ۳۰ درصد است، همخوانی دارد.

در رابطه با سؤال چهارم، آیا میان همه گیر شناسی ناتوانی یادگیری کلی در دختران و پسران دوره ابتدایی شهرستان مشهد تفاوت وجود دارد؟ نتایج نشان داد ۲۵ درصد پسران دارای اختلال یادگیری کلی با درجات شدید، متوسط، خفیف و مرزی می باشند. در حالی که تنها ۱۱/۵ درصد دختران دارای اختلال ناتوانی یادگیری کلی می باشند. آزمون خبی دو نشان داد که تفاوت مشاهده شده میان همه گیرشناسی دختران و پسران معنادار می باشد و به طور کلی تعداد پسران با اختلال یادگیری بیش از دختران می باشد.

در رابطه با سؤال پنجم، آیا میان همه گیر شناسی ناتوانی یادگیری در دختران و پسران دوره ابتدایی در هر یک از پایه های کلاسی اول تا پنجم شهرستان مشهد تفاوت



***Disabilities: Foundations, Characteristics, and Effective Teaching, 3edition***

- Lerner, J. (1997). ***Learning Disabilities***. (7<sup>th</sup> ed.) Boston: Houghton Mifflin
- Myklebust; H.R. (1971) ***The Pupil Rating Scale***. New York: Grune and Stratton, 1971.
- Pierangelo ,R ; Giuliani, G (2006). ***Assessment ,diagnosis and teaching learning disability*** 2edition , p.13-15.
- Shaywitz ,B., Shaywitz,S (1995) . ***Sex differences in the functional organization of the brain for language***. Nature, 373, 607-609 .
- Shaywitz,S.E.,Shaywitz,B.A.,Fletcher, J.M.,&Escobar,M.D.(1990).***Prevalence of reading disability in boys and girls***.Journal of the American Medical Association,264 (8),998 –1002.

---

Quarterly Journal of Educational Psychology

Islamic Azad University Tonekabon Branch

Vol. 3, No. 2, summer 2011, No 10



Journal of Educational  
Psychology

---

## Prevalence of verbal and none verbal Learning Disability Among elementary children in Mashhad

Saeed taimory<sup>1</sup>; Nader baghery<sup>2</sup>; Ali mashhadi<sup>3</sup>

- 1) Assistant professor . Islamic Azad University. Torbatjam Branch
- 2) Assistant Professor, Ferdowsi University of Mashhad
- 3) Assistant Professor, Ferdowsi University of Mashhad

\*Corresponding author: [sdteimory28@yahoo.com](mailto:sdteimory28@yahoo.com)

---

### Abstract

The aim of this study was the Prevalence of Learning Disability Among children's studying of elementary schools in Mashhad city. 780 subjects (390 girls, 390 boys) were selected by cluster – quota multi stage sampling. For measure learning disabilities the pupil rating scale revised was employed. Data analyzed by chi 2 methods. Result showed: Prevalence of learning disability in elementary children is 18%; The frequencies of Learning Disability in boys are more than girls; In all of class's grades frequency of Learning Disability in boys are more than girls; The frequencies of none verbal Learning Disability in boys and girls are more than verbal Learning Disability; The frequencies of none verbal Learning Disability in boys are more than girls.

**Key words:** Prevalence - Learning Disabilities - verbal and none verbal Learning Disability- The pupil rating scale revised

---